



هـ- تجرییات سایر کشورها

بنیاد اندیشه

- انتخابات در کشورهای پسامنازعه/ قربانعلی انصاری ۱۳۹۴
- درک خشونت‌های انتخاباتی در آسیا/ سایمون الکسس فینلی و سوفی خان، ترجمه: محمدسخی رضایی
- بررسی سیستم‌های انتخاباتی مورد اجرا در عراق/ ترجمه: حمید رضازاده

انتخابات در کشورهای پسمنازعه

قربانعلی انصاری*

چکیده

انتخابات دروازه ورود به دموکراسی و نقطه پایان بر منازعه قدرت در جوامعی است که درگیر جنگ‌ها و بحران‌های داخلی هستند. هدف مقاله حاضر بررسی انتخابات پسمنازعه است. انتخابات پسمنازعه بعد از توافق‌نامه صلح با حمایت سازمان‌های داخلی و جامعه بین‌المللی جهت مشروعیت‌بخشی نظام سیاسی، تقویت دموکراسی و سازش بین گروه‌های معارض برگزار می‌شود؛ اما با چالش‌های زیاد مثل ناامنی و فقدان سرشماری دقیق از رأی‌دهندگان روبه‌رو است و در صورت انتخابات می‌تواند بر چالش‌ها فایده آید و سبب گردد طرف‌های در حال جنگ، اهداف متعارض خود را با تکیه بر آرای مردم تعقیب کند که نظام انتخاباتی بستر مشارکت همه گروه‌های معارض را در تصمیم‌گیری‌ها فراهم سازد.

واژگان کلیدی: انتخابات، منازعه، نظام انتخاباتی، اقوام، دموکراسی، جامعه

بین‌الملل.

* نویسنده، پژوهشگر و استاد دانشگاه.

مقدمه

در تاریخ بشری نبردهای خونین اتفاق افتاده است و بسیاری از کشورهای جهان این جنگ‌ها و منازعات را تجربه کرده و هزینه‌های سنگین؛ مانند مرگ و میر، آوارگی و نابودی منابع اقتصادی و انسانی را متحمل شده‌اند؛ به طوری که برخی از کشورهای درگیر منازعه فروپاشیده است. تردیدی وجود ندارد که این جنگ‌ها، منازعات و خشونت‌ها به دلایل و انگیزه‌های مختلف اتفاق می‌افتند؛ اما در نهایت دارای هدف سیاسی و دست‌یابی به قدرت می‌باشند.^۱

جوامع چندپاره و ناهمگون، بیش از دیگر جوامع، در معرض این منازعات و تنش‌ها قرار داشته و از این ناحیه رنج برده‌اند؛ به عنوان نمونه: می‌توان به منازعات داخلی‌ای که سال‌ها در کشورهای برون‌دی، رواندا، زئیر، عراق، لبنان و افغانستان... جریان داشته است، اشاره کرد. این کشورها در اثر ناهمگونی قومی و مذهبی، سال‌ها درگیر بحران و منازعه‌اند. بررسی‌های صورت گرفته در باره منازعات داخلی نشان می‌دهند که بیش‌تر این درگیری‌ها و منازعات بر محور قومیت شکل گرفته‌اند؛ به طوری که بین سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۸۹، گروه‌های قومی، حدود هشتاد جنگ چریکی و داخلی به راه انداخته‌اند.^۲ اقوام و طایفه‌ها، نزاع‌ها و خشونت‌ها را به وجود نمی‌آورند؛ بلکه سیاسی کردن ارتباطات نژادی است که خشونت و تخریب را در پی دارد و این آن چیزی است که در سومالی و رواندا اتفاق افتاده است و «رولان برتون» آن را تبدیل امری قومی به امری سیاسی می‌نامد^۳ و سوء استفاده از مسائل قومی یکی از شگردهای است که حاکمان به کار می‌برند تا تجربه گذار به دموکراسی را تضعیف کنند^۴ و برای خودشان تکیه‌گاه سیاسی بنا کنند.

در نهایت، پس از سال‌ها منازعه و جنگ‌های خشونت‌بار، رهبران کشورهای در حال منازعه، روند صلح و سازش را در پیش گرفتند و برای بیرون‌رفت از جنگ، منازعات و مشارکت دادن گروه‌های قومی و سیاسی در قدرت، انتخابات را بهترین گزینه راه‌حل مهار منازعه انتخاب

۱. کلود آبر کلیبیار، نهادهای روابط بین‌الملل، هدایت‌الله فلسفی، صص ۶۲۳-۵۹۴.

۲. گر، رابرت تد، ارزیابی انتقادی در زمینه امنیت بین‌المللی، علی‌رضا طیب، ص ۹۸.

۳. برتون رولان، قوم‌شناسی سیاسی، ناصر فکوهی، ص ۹۹.

۴. زیر نظر: سیمور مارتین، لیبست، دایره‌المعارف دموکراسی، کامران فانی و نورالله مرادی، ص ۳۴.

کردند؛ حتی در توافق گروه‌های معارض این تعهد وجود دارد که انتخابات در مدت کوتاه، بعد از برقراری صلح، برگزار شود؛ چون طرف‌های درگیر با برگزاری انتخابات، اراده خود را بر پایان‌بخشیدن به منازعات نشان می‌دهند و انتخابات طرف‌های در حال جنگ را وادار می‌سازد که اهداف متعارض خود را با تکیه بر آرای مردم تعقیب کنند و به همه فرصت دهند که قدرت سیاسی را به وسیله برنامه‌های‌شان به شهروندان، بحث با مخالفان و بسیج افکار عمومی به دست آورند و بدین ترتیب، سازوکارهای حل منازعه در نظام سیاسی نهادینه خواهد شد.^۱

مهم‌ترین انتخابات پسمنازعه در کشورهای رواندا، اتیوپی، آفریقای جنوبی، عراق و افغانستان برگزار شده است. در برخی از این کشورها، منازعات مزمن و جنگ‌های داخلی کاملاً پایان یافته است و در برخی از این کشورها هنوز جنگ در بعضی مناطقش جریان دارد. در این کشورها، نیروهایی که سال‌ها درگیر جنگ بوده‌اند، به دلیل ناتوانی در رسیدن به اهداف سیاسی از طریق جنگ و راه‌های نظامی، دست از منازعه برداشته و با وساطت جامعه جهانی، پذیرفته‌اند که برای رسیدن به اهداف سیاسی با شیوه‌های قانونمند و غیر خشونت‌بار تلاش نمایند؛ از این رو، از ویژگی‌های ممتاز دولت‌سازی پسمنازعه در دو دهه گذشته، تکیه فزاینده بر مکانیزم‌های رسمی دموکراتیک به خصوص انتخابات بوده است، تا معین گردد که چه کسی باید پس از نبردهای خشونت‌بار بر کشور حکومت نماید.^۲

اهداف انتخابات پسمنازعه

انتخابات در کشورهای پسمنازعه، اولین گام در جهت اعمال دموکراسی، مشروعیت‌بخشی به نظام سیاسی و راهکاری جهت جلوگیری از هرج و مرج و بی‌نظمی است. با انتخابات، اختلافات و تعارضات در قالب قانونی می‌گیرد؛ از این رو، برگزاری انتخابات در جهت رسیدن به اهداف مشخص از سوی طرف‌های درگیر و جامعه بین‌المللی مورد تأیید قرار می‌گیرد. به بعضی از آن اهداف اشاره می‌شود.

۱. دایره المعارف بین‌المللی انتخابات، سرویراستار ریچارد رز، مترجم، محمدتقی دلفروز، نشر میزان، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴.
 ۲. لاری دایموند، توسعه دموکراسی در کشورهای پسمنازعه و دولت‌های ضعیف، ترجمه محمدعلی حامدی، فصلنامه سراج، سال چهارم، شماره ۲۸، ۱۳۸۶، ص ۶۲.

۱. سازش میان گروه‌ها و اقوام معارض

عوامل مختلف در به وجود آمدن نزاع‌ها و جنگ‌های داخلی نقش دارند؛ اما مهم‌ترین عامل تنش‌های داخلی در برخی کشورها، تنش‌های قومی و نژادی است. این عامل نه به عنوان عامل اصلی؛ بلکه به عنوان عنصر تحریک‌کننده و ایجادکننده منازعه در نظر گرفته می‌شود و قومیت با جاذبه نیرومند در نقش کارگزار بسیج توده‌ها و در خدمت اهداف یک عده خاص در جهت کسب یا حفظ قدرت قرار می‌گیرد. در انتخابات ریاست جمهوری کنیا در سال ۱۹۹۲م، قومیت به عنوان دستاویز حاکمان، زمینه پیروزی «دانیل اراپ» را در انتخابات چندحزبی فراهم کرد. در این انتخابات نه تقلب بود و نه ارباب؛ بلکه چنددستگی نیروی مقابل؛ یعنی ناتوانی سه نامزد در فرارفتن از محدوده حوزه‌های قومی - منطقه‌ای خود و متحدن‌شدن با یکدیگر، زمینه پیروزی رقیب را فراهم کرد؛ بنابراین، انتخابات در جامعه جنگ‌زده گاهی به سخت‌تر شدن شکاف‌های قومی یا مذهبی منجر می‌شود؛ به ویژه زمانی که احزاب قومی و مذهبی فعال باشند؛ به طور مثال: کشور کنگو بیانگر چنین وضعیتی است. پدیده نوظهور کشورهای تک‌حزبی آشکارا نشان می‌دهد که انتخابات، به خودی خود و بدون هیچ‌گونه توافق ضمنی یا اساسی از سوی افراد درگیر، موجب تقویت یگانگی و انسجام نمی‌شود؛ بنابراین، انتخابات در صورتی می‌تواند به جنگ میان گروه‌های درگیر پایان دهد و زمینه سازش و تفاهم را فراهم سازد، که بر اساس یک نظام انتخاباتی عادلانه برگزار شود؛ از این رو، نظام‌های انتخاباتی را می‌توان نه فقط شیوه‌هایی برای تعیین حکومت‌کنندگان دانست؛ بلکه می‌توان آن‌ها را هم‌چون ابزاری برای مدیریت منازعات و تنش‌ها و سازش برقرارکردن میان اقوام و گروه‌های سیاسی در یک جامعه تلقی کرد.

۲. دموکراتیک‌سازی جوامع پسا منازعه

دموکراسی در جوامع جنگ‌زده، یکی از دغدغه‌های مهم سیاست‌گزاران داخلی و جامعه بین‌المللی است و تجربه نشان داده است که پروسه دموکراتیک‌سازی در کشورهای پسا منازعه

با چالش‌ها و موانع زیادی مواجه است؛ چون جوامع جنگ‌زده غالباً فاقد احزاب سیاسی و فاقد مطبوعات آزاد و نهادهای جامعه مدنی و قوه قضائیه مستقل هستند. برای مثال: آنگولا، اتیوپی و کامبوج و لیبیا. در این کشورها، رسانه‌ها در اختیار دولت بودند؛ مطبوعات مستقل نوپا بودند و سازمان‌های جامعه مدنی در این کشورها تازه در حال ظهور؛ از این رو، در باره نقش انتخابات پسمانزعه در جهت ایجاد و تقویت دموکراسی، دیدگاه‌های متفاوت صورت گرفته است: بعضی‌ها بر این باوراند که برگزاری انتخابات پیش از موعد (کشورهای پسمانزعه) به جای این که گامی در جهت ایجاد و تقویت دموکراسی باشد، مانعی برای تحول آینده است؛ زیرا دموکراتیک‌شدن غالباً به عنوان یک فرایند، سه مرحله دارد: ۱) دوره آزادسازی یا گشایش سیاسی که طی آن رژیم اقتدارگرا از اعمال محدودیت‌ها کاسته و به بعضی از فعالیت‌های مخالفت‌آمیز سیاسی اجازه بروز و ظهور می‌دهد. ۲) مرحله گذار که با برگزاری انتخابات چندحزبی آزاد و عادلانه شناخته می‌شود. ۳) دوره طولانی تحکیم دموکراتیک که در آن نهادهای دموکراتیک، احزاب سیاسی و نهادهای مدنی استحکام بیش‌تری می‌گیرند.^۲ بر اساس این دیدگاه، انتخابات بی‌موقع و با آمادگی‌های ناکافی، نه تنها به دموکراسی منجر نمی‌شود که حتی نمی‌تواند ثبات سیاسی پس از منازعه را به ارمغان آورد. در کشور آنگولا در سال ۱۹۹۲م، در بوسنیا در سال ۱۹۹۶ و در لبریا در سال ۱۹۹۷م، برگزاری عجولانه انتخابات، امکان موفقیت دموکراسی را به تأخیر انداخت و در آنگولا و لبریا راه را برای از سرگیری مجدد جنگ داخلی هموار ساخت.^۳ برخی از کارشناسان بر این باوراند که با وجود پیچیدگی‌ها و امکان حرکت‌های خشونت‌آمیز در انتخابات کشورهای جنگ‌زده و موانع متعدد فراروی دموکراتیک‌سازی جامعه ناهمگون، انتخابات دروازه ورود به دموکراسی و مردم‌سالاری است و زمینه تقسیم قدرت با برگزاری انتخابات در میان گروه‌های معارض به صورت عادلانه فراهم می‌شود.

هانتینگتون معتقد است: در دموکراسی، بر اساس روال کار اصلی، انتخاب رهبران به وسیله مردم از طریق انتخابات آزاد رقابتی است. نظام‌هایی که از مشارکت بخشی از مردم ممانعت

۱. دایره المعارف بین‌المللی انتخابات، ص ۱۰۹.

۲. دایره المعارف بین‌المللی انتخابات، ص ۲۵۷.

۳. لاری دایموند، «توسعه دموکراسی در کشورهای پسمانزعه و دولت‌های ضعیف» محمدعلی حامدی، فصلنامه سراج، سال چهارم، شماره ۲۸، ۱۳۸۶، ص ۶۶.

می‌کنند- همانند آفریقای جنوبی (سابق)- نمی‌توانند دموکراتیک باشند. هم‌چنین نظام‌هایی که به مخالفان اجازه شرکت- رقابت آزاد- در انتخابات نمی‌دهند و یا انتشارات آن‌ها را سانسور و مخالفان را در فشار می‌گذارند و از فعالیت آن‌ها جلوگیری می‌کنند و یا پخش آن‌ها را مانع می‌شوند و یا در شمارش آراء تقلب روا می‌دارند و اصولاً هر جامعه‌ای که دارای این نقص باشد، غیر دموکراتیک است.^۱

۳. مشروعیت بخشی به حکومت پسا منازعه

بحران مشروعیت یکی از پیامدهای اصلی منازعه و گسست‌های اجتماعی در کشورهای درگیر جنگ‌های داخلی است، این کشورها فاقد نهادهای سیاسی، توانایی‌های فنی، منابع اقتصادی، ثبات سیاسی و اجتماعی و در بسیار موارد فاقد تعهد به دموکراسی هستند و برگزاری انتخابات بر مردم، حاکمان و جهانیان ثابت می‌سازد که این حکومت برآمده از اراده و رأی مردم است و حاکمان در یک انتخابات آزاد و منصفانه برگزیده شده‌اند.^۲ جامعه بین‌المللی با درک شرایط حساس و شکننده کشورهای منازعه سر برآورده‌اند، بیش‌ترین کمک‌های مالی، فنی، سیاسی و امنیتی در جهت برگزاری یک انتخابات آزاد و رقابتی و عادلانه انجام می‌دهد. در کامبوج جامعه بین‌المللی طی فرایندی دوساله، از زمان توافق صلح تا انتخابات، حدود ۳ میلیون دالر هزینه نمود؛ به طوری که نه تنها به ناظران داخلی که حقوق پرداخت می‌شد؛ بلکه حقوق روزانه‌شان از حقوق یک معلم مدرسه بیش‌تر بود.^۳ در بسیاری از کشورهای درگیر منازعه، بخش اعظم وسایل مورد نیاز برای انتخابات از خارج وارد شده است؛ از جمله برگه رأی‌دهی. در موزامبیک جامعه بین‌المللی از احزاب سیاسی مخالف به ویژه جنبش سابقاً شورشی رنامو، حمایت مالی به عمل آورد تا این احزاب بتوانند در مقابل حزب حاکم که بسیار بهتر سازمان‌دهی شده بود، رقابت کنند^۴ و زمینه شکل‌گیری یک حکومت مشروع و مردمی فراهم شود؛ بنابراین، سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه‌ای جامعه بین‌المللی در انتخابات پس

۱. ساموئل هانتینگتون، موج سوم دموکراسی، ترجمه احمد شهسا، تهران، روزنه، ۱۳۸۱، ص ۸.

۲. دانش‌نامه نظام انتخاباتی، ص ۱۶۴.

۳. دایره‌المعارف بین‌المللی انتخابات، ص ۱۱۱.

۴. دایره‌المعارف بین‌المللی انتخابات، ص ۱۱۲.

از منازعه مبتنی بر این فرض است که انتخابات نه تنها به انتقال قدرت منجر شود؛ بلکه به یک فرایند طولانی مدت به تحکیم دموکراتیک و مصالحه ملی نیز منجر شود؛ چون جامعه بین‌المللی تمایل ندارد حکومت‌هایی را که مشروعیت ندارد، به رسمیت بشناسد.

موانع فراروی انتخابات پسمنازعه

انتخابات در جوامع جنگ‌زده به طور حتم با موانع و چالش‌هایی مواجه هست که برگزاری انتخابات را با مشکل روبه‌رو می‌سازد و معیارهای لازم برای یک انتخابات آزاد و عادلانه را زیر سؤال می‌برد. در اکثر کشورها برگزاری انتخابات پس از جنگ، مستلزم فرایند پیچیده‌ای است که در اکثر موارد باید در یک چارچوب زمانی کوتاه‌مدت و غیر واقع‌بینانه اجرا شود. در فاصله امضای پیمان صلح و روز انتخابات، باید مبارزان را خلع سلاح و آن‌ها را جذب زندگی غیر نظامی کند؛ قوانین در مورد ثبت نام احزاب سیاسی و انتخابات وضع نماید؛ نهادهای انتخاباتی را از بالاترین سطح تا سطح اخذ رأی به وجود آورد و رأی‌دهندگان را ثبت نام کند و زمینه دسترسی همه احزاب را به رسانه‌ها فراهم سازد. انجام این امور خیلی وقت خواهد گرفت؛ بنابراین، گذار از چنین وضعیتی به یک نظام پایدار و مورد قبول همه، مستلزم تدابیر اساسی سیاسی است و مسائل بسیار راه تثبیت دموکراسی نوپا را سد می‌کند^۲ که در این بخش به بعضی از آن مسائل اشاره می‌شود:

۱- **ناامنی‌ها:** دولت‌های پسمنازعه نیازمند استقرار امنیت‌اند؛ از این رو، برقراری امنیت از فوری‌ترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران پس از پایان عملیات جنگی و یکی از مؤلفه‌های کلیدی در عملیات ملت‌سازی به شمار می‌رود. امنیت ضعیف مشکل انتخابات عادلانه را در کشورهای پسمنازعه؛ به خصوص در روستاها تشدید می‌کند؛ منازعه غالباً در روستاها شدت بیش‌تر دارد. هرچه پس از پایان خصومت‌ها انتخابات زودتر برگزار شود، احتمال این‌که امنیت انتخابات تأمین نشود، بیش‌تر است.^۳ «جورج تانهام»، معاون مدیر عملیات ضد شورش در آژانس توسعه

۱. دایره‌المعارف المللی انتخابات، ص ۱۱۰.

۲. دایره‌المعارف دموکراسی، ج ۱، ص ۳۵.

۳. دایره‌المعارف بین‌المللی انتخابات، ص ۱۰۹.

بین‌المللی ایالت متحده در ویتنام جنوبی و معاون ویژه عملیات ضد شورش و سفیر امریکا در تایلند در دهه ۱۹۶۰م، می‌گوید: «شاید عجب به نظر برسد که پیروزی نظامی آسان‌ترین بخش هر جنگ است، پس از این‌که پیروزی به دست آمد، چالش‌های واقعی آغاز می‌شود و آن چالش این است که: برقراری دوباره یک محیط امن فرصتی جدید را برای ملت‌سازی فراهم می‌کند»^۱ در برخی موارد، ملت‌سازی در یک محیط امن و آرام با کم‌ترین مقاومت یا بدون هیچ مقاومت تحقق می‌یابد؛ اما در مواردی مثل سومالی، افغانستان و عراق، فعالیت‌های آشوب‌گری و خشونت مانع تسریع این روند می‌شوند.^۲ برخورد با گروه‌های آشوب‌گر و جنگ‌سالار، نیروهای امنیتی قوی و دستگاه قضای کارآمد می‌طلبد؛ در حالی که کشورهای پسمانزعه فاقد نهادهای مذکوراند و انتخابات در این کشورها به طور مشخص از سوی مخالفان و شبه نظامیان مسلح وابسته به طرف‌های درگیر در معرض تهدید قرار دارد و اگر در این مورد توجهی لازم صورت نگیرد، ممکن است تلاش‌های داخلی و بین‌المللی در جهت شکل‌گیری یک نظام سیاسی مبتنی بر دموکراسی در کشورهای پسمانزعه با ناکامی مواجه شود.

از این رو، یکی از چالش‌های مهم در کشورهای پسمانزعه، شبه نظامیان مسلح‌اند که با احزاب سیاسی و طرف‌های درگیر وابسته‌اند. آن‌ها هر زمان احساس کنند که منافع‌شان در خطر قرار دارد، از زور استفاده می‌کنند. بعد از برقراری صلح و شکل‌گیری یک نظام جدید، تلاش می‌شود که این نیروها در ارتش ادغام شوند. در عراق قانون اداره موقت اعلام کرد که تنها دولت حق استفاده از زور را دارد. در ژوئن ۲۰۰۴ نیز توافق با تمام شبه نظامیان حاصل شد که بر اساس این توافق، آن‌ها را وارد یک فرایند گذار و ادغام مجدد می‌کرد؛^۳ اما عملی شدن ادغام شبه نظامیان به ارتش، کار دشوار و زمان‌براست و تجربه بعضی کشورها مثل آنگولا نشان می‌دهد که کشورهای برآمده از جنگ‌های داخلی تا زمان خلع سلاح جنگجویان و به کنترل درآمدن ناراضیان، امید چندانی ندارد که انتخابات در خدمت اهداف‌شان قرار گیرد.^۴

۱. ست جی، جونز و همکاران، برقراری نظم و قانون پس از منازعه، ترجمه عسگر قهرمان‌پور، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۹، ص ۳۸.

۲. برقرار نظم و قانون، ص ۳۲.

۳. برقراری نظم و قانون، ص ۱۴۵.

۴. دایره‌المعارف دموکراسی، ج ۱، ص ۳۶.

در انتخابات منطقه‌ای و محلی اتیوپی در ژوئن ۱۹۹۲م، قبل از کامل شدن روند خلع سلاح ارتش‌های معارض، انتخابات با عجله سازمان‌دهی شد؛ اما با تحریم انتخابات از سوی مخالفان اصلی، دوری جدید از منازعه در این کشور آغاز شد. در عراق بی‌نظمی گسترده پس از سقوط صدام در آوریل ۲۰۰۳ به وجود آمد و بسیاری از نهادهای بخش امنیتی خالی از ساکنان شدند و گروه‌های جنایی و اوباش دارایی‌های تجاری و دولتی را غارت کردند؛ بنابراین، حضور هزاران جنگجوی مسلح در کشورهای پسمنازعه، مهم‌ترین چالش امنیتی در روند برگزاری انتخابات است. در کنفرانس بن ماده دال بر این امر؛ یعنی خلع سلاح گنجانده شد که تمام نیروهای مجاهدین افغانستان و گروه‌های مسلح باید تحت فرمان‌دهی و کنترل دولت موقت در بیابند و سازمان‌دهی مجدد شوند. از آن‌جا که بسیاری از فرمان‌دهان منطقه‌ای تسلیم شدن به این امر را به نحوی میدان‌دادن به رقیب تلقی می‌کردند، از این امر سرپیچی کردند.^۲ از طرف دیگر، در خیلی از کشورهای درگیر جنگ‌های داخلی، سلاح‌های جمع‌آوری شده توسط سازمان ملل و حکومت نابود نمی‌شدند؛ بلکه به انبارهای مهمات فرستاده می‌شدند و این امکان همیشه وجود دارد که این سلاح‌ها دوباره در اختیار گروه‌های مسلح قرار گیرد. از این جهت است که بسیاری از مقامات سازمان ملل اظهار نگرانی کردند که ممکن است سلاح جمع‌آوری شده در افغانستان دوباره وارد بازار سیاه شوند.^۳ در خلال عملیات سازمان ملل متحد در موزامبیک در اوایل دهه ۱۹۹۰، سلاح‌های جمع‌آوری شده را در فرایند خلع سلاح از انبارها دزدیده و وارد بازار سیاه شدند.^۴

۲- سرشماری رأی‌دهندگان: یکی از چالش‌های فراروی انتخابات در کشورهای پسمنازعه، سرشماری دقیق افراد واجد شرایط رأی‌دادن است؛ از این رو، ثبت نام رأی‌دهندگان پیچیده‌ترین و دردسرسازترین و اغلب ناموفق‌ترین قسمت اجرای انتخابات است. ثبت نام از رأی‌دهندگان مستلزم گردآوری اطلاعات خاص به شکل قابل قبول از تعداد زیادی رأی‌دهنده و سپس

۱. برقراری نظم و قانون، ص ۳۹.

۲. برقراری نظم و قانون، ص ۱۱۳.

۳. نظم و قانون، ص ۱۱۳.

۴. نظم و قانون، ص ۱۱۳.

منظم کردن و انتشار این اطلاعات به نحوی است که بتوان از آن‌ها در زمان انتخابات استفاده کرد و این اطلاعات باید به نحوی تنظیم شود که تضمین کند فقط رأی‌دهندگان که شرایط لازم را دارند، رأی دهند و نیز جلوی رأی‌دهی چندباره و رأی‌دهی یکی به جای دیگری و مسائلی مانند این را بگیرد. حساسیت سیاسی این مسائل بدان معنا است که ثبت نام از رأی‌دهندگان اغلب یکی از بخش‌های هزینه‌بر و وقت‌گیر کل فرایند انتخابات است.^۱ از طرف دیگر، جامعه جنگ‌زده به طور حتم دارای جمعیتی از آوارگان و پناهندگان است که محل اصلی سکونت خود را تغییر داده‌اند؛ حتی اگر با رأی‌دادن آن‌ها توافق شود، رأی‌دادن آن‌ها با چالش‌ها و مشکلاتی همراه است و ثبت نام آن‌ها مشکل است؛ زیرا بعضی از آن‌ها فاقد برگه شناسایی‌اند.^۲ در نظر گرفتن تمهیداتی برای رأی‌دهی آوارگان و افرادی که از خانه و کاشانه خود رانده شده‌اند، ممکن است اهمیت ویژه‌ای در انتخابات‌هایی که در دوره‌های پس از منازعات برگزار می‌شوند، داشته باشد. تأثیر و اهمیت این موضوع در انتخابات بوسنی و هرزگوین به خوبی به اثبات رسیده است. ۳۱۴۰۰۰ رأی‌دهنده از مجموع ۲ میلیون رأی‌دهنده‌ای که برای انتخابات سال ۱۹۹۸ این کشور ثبت نام کرده بودند، در خارج از کشور اقامت داشتند که بیش از نیمی از آن‌ها مقیم کرواسی و در جمهوری یوگسلاوی سابق اقامت داشتند.^۳

بنیاد اندیشه نمونه‌هایی از انتخابات پس‌از منازعه

۱. نیکاراگوئه^۱

کشور نیکاراگوئه به دلیل جنگ‌های داخلی و بلایای طبیعی فراوانی که در آن روی داده است، جزء فقیرترین کشورهای نیم‌کره غربی به شمار می‌آید. بعد از استقلال این کشور در سال ۱۸۲۱م، حکومت این کشور همواره شکلی از دولت جمهوری بوده است؛ اما در اثر غلبه بخش اجرایی، دولت‌ها قادر بودند حقوق قانونی افراد و جامعه را نادیده بگیرند و ارتش این

۱. دانش‌نامه نظام انتخاباتی، ص ۱۴۵.

۲. دایره‌المعارف بین‌المللی انتخابات، ص ۱۱۰.

۳. دانش‌نامه نظام انتخاباتی، ص ۱۲۳.

کشور نیز نقش مهم در امور نیکاراگوئه ایفا کرده است.^۱ جبهه آزادی‌بخش ملی «ساندینیستا» در سال ۱۹۷۹م در این کشور انقلاب کرد و «سوموزا دبایله» را سرنگون کرد و قدرت را به دست گرفت. «دانیل اورتگا»، به عنوان یکی از رهبران برجسته‌ای این جنبش انقلابی، در سال ۱۹۸۴م به مقام ریاست‌جمهوری نیکاراگوئه رسید. در این دوره جنگ‌های داخلی و چنددستگی‌های سیاسی به وجود آمد. منازعات داخلی و حمایت‌های بیرونی از مخالفان دانیل اورتگا موجب شد که دانیل اورتگا در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۰ و انتخابات سال ۱۹۹۶ و ۲۰۰۱م شکست بخورد^۲ و قدرت از ساندینیست‌ها به اتحاد ملی مخالف اورتگا انتقال پیدا کند و ساندینیست‌ها تحت فشار بین‌المللی نتیجه انتخابات را پذیرفتند. دومین انتخابات سراسری در ۱۹۹۷ برگزار گردید. دانیل اورتگا در سال ۲۰۰۶ و با ایجاد یک ائتلاف سیاسی توانست پس از شانزده سال، در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شود و با پذیرش نتیجه انتخابات از سوی گروه‌های رقیب، مبارزه برای دستیابی به قدرت در قالب قانونی و بر اساس یک مکانیزم دموکراتیک در این کشور ادامه یافته است و شورای عالی انتخابات که مرکب از هفت عضو است، بر نحوه انجام انتخابات و همه‌پرسی در این کشور نظارت می‌کند.^۳

۲. آنگولا

کشور آنگولا در غرب آفریقا، یکی از کشورهای است که در آن، نژادهای مختلف؛ مثل «اویمبوند»، «مبوندو»، «کنگوی»، «لوئیمب»، «چوکو»، «نیانکا»، «ومب»، «امبو» و «لواندا» سکونت دارند.^۴ بعد از استقلال آنگولا در سال ۱۹۷۵م و عضویت سازمان ملل در ۱۹۷۵م، جنبش آزادی‌بخش خلق آنگولا (مبلا)، جبهه ملی آزادی‌بخش آنگولا (فنلا) و اتحاد ملی برای استقلال کامل آنگولا (یونیتا) با تشکیل دولت انتقالی، قدرت را از «لیسیپون» تحویل گرفت و مپلا موفق شد اختیار دولت را به دست گیرد. چند ماهی نگذشت که جنگ داخلی شروع شد

۱. نیکاراگوئه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت خارجه ایران، تهران، ۱۳۹۲، ص ۸۵

۲. نیکاراگوئه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ص ۹۵.

۳. نیکاراگوئه، پشین، ص ۹۷.

۴. مجله رشد آموزش جغرافیا، بهار ۱۳۶۶، شماره ۹، ص ۴۶.

۵. همان، شماره ۹، ص ۴۷.

و با حمایت کشورهای خارجی از هریک از طرف‌های درگیر، ناامنی‌ها تشدید شد و در اثر ناامنی‌ها رفت‌وآمد در سراسر آنگولا مختل شد و زیربنای اقتصادی این کشور نابود شد. در فاصله‌های سال ۱۹۷۵-۱۹۹۱م، تلفات سنگین بر آنگولا وارد شد و حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر کشته شدند.^۱ با عقب‌نشینی نیروهای خارجی و کم‌شدن کمک‌های خارجی، جنبش یونیتا و مپلا در سال ۱۹۹۱م برای پایان‌دادن به جنگ وارد مذاکره شدند. پس از امضای موافقت‌نامه صلح در سال ۱۹۹۲م، این دو حزب به اضافه یازده حزب دیگر، آماده برگزاری انتخابات شدند و انتخابات زیر نظر سازمان ملل برگزار گردید و مپلا در این انتخابات پیروز شد؛ اما اتحاد ملی استقلال کامل آنگولا، تنها حزب مخالف، که هفده سال درگیر جنگ بود، از پذیرش شکست انتخاباتی سر باز زد و انتخابات علی‌رغم سطوح بالای دخالت بین‌المللی به جنگ ختم شد^۲ و بار دیگر جنگ داخلی در این کشور از سر گرفته شد. با وجود امضای قرارداد صلح بین یونیتا و مپلا در سال ۱۹۹۴م،^۳ ناآرامی‌های داخلی آنگولا تا سال ۲۰۰۲م نیز ادامه یافت و با کشته‌شدن رهبر حزب یونیتا توسط ارتش آنگولا در سال ۲۰۰۲م، اعضای این حزب دست از جنگ برداشند و اعلام کردند که برای رسیدن به قدرت سیاسی، از طریق انتخابات تلاش می‌کند. دومین انتخابات ملی در آنگولا بعد از پایان ۲۷ سال جنگ داخلی، با وجود اعتراض مخالفان دولت به انجام تقلب، برگزار شد و جنبش مردمی آزادی آنگولا (MPLA) که از زمان استقلال آنگولا از پرتغال در سال ۱۹۷۵م در این کشور در مسند قدرت سیاسی قرار دارد، پیروز انتخابات اعلام شد.

۳. برون‌دی^۳

جمهوری برون‌دی که در مرکز قاره آفریقا قرار دارد، از نظر ترکیب جمعیتی، حدود ۸۵ درصد از مردم برون‌دی را قوم «هوتو» و قوم «توتسی» باقی اقلیت‌های قومی این کشور را تشکیل می‌دهد.^۴ این کشور جنگ‌ها و منازعات داخلی زیادی را تجربه کرده است. کشمکش‌های

۱. دایره‌المعارف دموکراسی، زیر نظر سیمور مارتین لیست، ترجمه کامران فانی و نورالله مرادی، ج اول، (حروف آ-ت) کتابخانه تخصصی وزارت خارجه، ایران، ۱۳۸۳، ص ۴۲.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۳؛ دایره‌المعارف بین‌المللی انتخابات، ص ۱۱۴.

۳. دایره‌المعارف دموکراسی، ج ۱، ص ۴۳.

۴. مجله‌نامه اتاق بازرگانی، شهریور ۱۳۸۱، شماره ۴۱۳، ص ۳۵.

داخلی در برون‌دی، همچون آفریقای جنوبی، ساختار عمودی دارد. یک اکثریت قومی یا نژادی هوتو در برون‌دی توسط یک اقلیت صاحب امتیاز سرکوب می‌شود.^۱ انگیزه‌های قومی در برون‌دی محور اصلی بسیاری از منازعات و جنگ‌های داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد. در کودتای ۱۹۹۳م، تلقی از پیروزی «ملیشور اندادایه» به منزله پیروزی قوم هوتو، موجب شد که بخشی از ارتش تحت نفوذ قوم توتسی، قدرت را به دست گیرد^۲ و مانع قدرت یافتن قوم هوتو و عملی شدن برنامه‌های اندادایه گردد.^۳ تنش‌های قومی، جانب‌داری ارتش از یکی از طرف‌های درگیر، فقدان مشارکت سیاسی، فساد و ناکارآمدی دولت‌ها باعث گردیده‌اند که دولت‌های برآمده از تفکر قومی در این کشور، نتوانند بر چالش‌ها، جنگ‌ها و منازعات فایق آیند و بر ناامنی‌ها و بی‌ثباتی در این کشور پایان دهند؛ از این رو، هزاران تن از مردم برون‌دی در این منازعات کشته شدند؛ اما مهم‌ترین حرکت در جهت پایان‌دادن به خشونت‌ها و جنگ‌های داخلی برون‌دی، توافق‌نامه اروشا (تانزانیا) است که در ۲۸ اوت ۲۰۰۰م بین دولت و گروه‌های مسلح هوتو به امضا رسید. در این توافق‌نامه، علاوه بر آنچه که در قانون اساسی برون‌دی آمده است؛ یعنی وجود سهمیه‌ای مشخص برای هوتوها، توتسی‌ها و توها در پارلمان، برقراری این سهمیه‌بندی در ارتش و سازمان‌ها و ادارات دولتی نیز قید شده بود. در این توافق‌نامه قدرت به صورت عادلانه میان هوتوها و توتسی‌ها تقسیم شده بود. این توافق‌نامه می‌توانست چهارچوب اساسی برای برقراری صلح قرار گیرد؛ اما اقدام اولین رئیس‌جمهور بعد از جنگ، آقای «پی‌یر انکورونزیزا» از قوم هوتو، از سوی مخالفان نقض قانون اساسی و توافق‌نامه صلح تلقی گردید؛ چون در توافق‌نامه ذکر شده بود که رئیس‌جمهوری که با آرای مستقیم مردم انتخاب شده است، نمی‌تواند بیش‌تر از دو دوره نامزد ریاست جمهوری شود؛ اما پی‌یر انکورونزیزا در انتخابات ۲۰۱۵، با وجود این‌که از جانب اپوزیسیون تحریم شده بود، شرکت کرد و برای بار سوم به ریاست جمهوری رسید.

۱. دایره‌المعارف دموکراسی، ج ۱، ص ۳۲.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۲.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۲.

۴. آفریقای جنوبی

آفریقای جنوبی که در جنوبی‌ترین بخش قاره آفریقا قرار دارد، بعد از جنگ اول جهانی، اداره آن به صورت قیمومیت به دولت جمهوری آفریقای جنوبی واگذار شده است. مردم آفریقای جنوبی مرکب از نژادهای مختلف‌اند.^۱ تفاوت‌های نژادی در این کشور، زمینه تنش‌ها و جنگ‌های داخلی را فراهم ساخت و باعث شد که آفریقای جنوبی منازعه و تنش‌های خشونت‌بار را تجربه نماید؛ اما خستگی از ادامه مبارزه مسلحانه با گروه‌های ضد آپارتاید، افزایش فشار بین‌المللی، ادامه تحریم‌های اقتصادی و شرایط جهانی باعث گردید که دولت نژادپرست آفریقایی جنوبی مذاکره با گروه‌های مبارز را بر ادامه خصومت ترجیح دهد.^۲ «دکلرک» بعد از رسیدن به قدرت اعلام کرد که به منازعه در این کشور پایان می‌دهد. در روز دوم فوریه ۱۹۹۰م آقای دکلرک، رئیس جمهور آفریقای جنوبی، حضور مبارزان تبعیدی را در داخل کشور پذیرفت و آمادگی دولت را جهت مذاکره با گروه‌های سیاه‌پوست اعلام کرد. کنگره ملی آفریقا از این تصمیم دکلرک استقبال کرد و مبارزه برای استقرار یک نظام غیر نژادی و دموکراتیک را در آفریقای جنوبی پذیرفت. این تصمیم دولت آفریقای جنوبی مورد استقبال جامعه بین‌المللی قرار گرفت و مذاکره بین دولت و گروه‌های مخالف شروع شد و به تدریج افزایش یافت.^۳ علی‌رغم این دشواری‌ها، مذاکرات صلح در سال ۱۹۹۱م، تحت عنوان «گودسا» با حضور ۱۸ گروه مخالف و دولت آفریقای جنوبی آغاز شد. در این مذاکرات، امیدهای تازه‌ای برای ایجاد یک نظام غیر نژادی خلق کرد؛ اما با فشرده‌شدن مذاکرات و دیدگاه‌های متضاد، دور دوم مذاکرات به شکست انجامید. با وجود بن‌بست به وجود آمده در مذاکرات، جدیت طرف‌های منازعه^۴ باعث شد مذاکره بین طرف‌های اصلی ادامه یابد. در این مذاکرات توافق شد که با برگزاری انتخابات، زمینه انتقال قدرت به صورت مسالمت‌آمیز فراهم گردد. بر این اساس، انتخابات مجلس ملی و مجالس ولایتی که در سال ۱۹۹۴ در آفریقای جنوبی برگزار

۱. هوشنگ مقتدر، تبعیضات نژادی در آفریقای جنوبی، مجله خرد و کوشش، تیر ۱۳۴۸، شماره ۲.

۲. «روند انتقال قدرت در آفریقای جنوبی» رویدادها و تحلیل‌ها، مهرماه ۱۳۷۲، شماره ۷۲، ص ۳۳.

۳. رویدادها و تحلیل‌ها، ص ۳۳

۴. رویدادها و تحلیل‌ها ص ۳۴.

شد، نشان‌دهنده نقطه اوج و پردردسر از حکومت اقتدارگرا به سمت دموکراسی چندحزبی در آفریقای جنوبی بود و برگزاری اولین انتخابات چندحزبی در آفریقای جنوبی، بر ۳۰۰ سال سلطه استعماری پایان داد و زمینه را فراهم کرد تا جنبش‌های سیاسی‌ای که سال‌ها فعالیت‌های زیرزمینی داشتند، وارد عرصه سیاست شوند. در میان احزاب سیاسی فعال در عرصه انتخابات، حزب کنگره ملی آفریقا، به رهبری «نیلسون ماندلا»، در مبارزات انتخاباتی در آستانه کسب قدرت قرار داشت^۱ و به نفع حزب کنگره ملی آفریقا گزینش نظام اکثریت ساده بود که در گذشته سفیدپوست‌ها از آن استفاده می‌کردند. در صورت برگزیدن این نظام انتخاباتی، حزب کنگره می‌توانست ۷۰ تا ۸۰ درصد کرسی‌های پارلمان را به‌راحتی از آن خود کند. حزب کنگره ملی آفریقا این راه را انتخاب نکرد؛ زیرا می‌دانست نابرابری‌هایی که در یک نظام اکثریت ساده، که همه چیز را به برنده می‌دهد، ایجاد شود، ممکن است در درازمدت برای اکثریت منافع اکثریت زیان‌بار باشد؛ از این جهت حزب کنگره، نظام انتخاباتی تناسبی را برگزید.^۲ این نظام انتخاباتی با نحوه توزیع قدرت اجرایی که حزب کنگره ملی آفریقا و ناسیونالیست‌ها آن را مهم‌ترین بخش قانون اساسی موقت می‌دیدند، سازگاری داشت و زمینه توازن در ترکیب اعضای مجلس را به لحاظ قومی و جنسیتی فراهم می‌کرد. مجلس جدید که بر اساس سیستم نظام انتخاباتی تناسبی انتخاب شده بود، در تضاد آشکار با گذشته پرافت‌وخیز آفریقای جنوبی بود. در مجلس جدید، سیاه‌پوستان در کنار سفیدپوستان، کمونیست‌ها در کنار محافظه‌کاران، زولوها در کنار هوساها و مسلمانان در کنار مسیحان می‌نشستند و تنوعی که در مجلس بود، تا حدی زیادی نتیجه استفاده از نظام انتخاباتی تناسبی بود. لیست‌های کاندیداها که بعد ملی داشتند و تغییرپذیر نبودند، به احزاب سیاسی این امکان را می‌داد که کاندیداهای دارای قومیت‌های مختلف را به عنوان کاندیداهای حزب خود معرفی کنند؛ به این امید که بتوانند آرای گروه‌های مختلف جامعه را به دست آورند^۳؛ بنابراین، گزینش نظام انتخاباتی تناسبی در آفریقای جنوبی، زمینه مشارکت همه گروه‌ها، احزاب سیاسی و نژادها را در قدرت فراهم ساخت و

۱. اندرو رینولدز، بن رایلی، اندرو الیس و دیگران، دانشنامه نظام انتخاباتی، ابوذر رفیعی قهساره، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ اول، ۱۳۹۰، ص ۲۱۱.

۲. دانشنامه نظام انتخاباتی، ص ۲۱۲.

۳. دانشنامه نظام انتخاباتی، ص ۲۱۵.

منازعه و درگیری را در این کشور پایان داد.

۵. افغانستان

با گذشت سالیان طولانی از استقلال افغانستان، هنوز ثبات سیاسی در این سرزمین به جود نیامده است و فرهنگ تعارض و ستیز تداوم دارد. بعد از سقوط دولت نجیب‌الله، بعضی از گروه‌ها و احزاب سیاسی، بدون در نظر داشت واقعیت‌ها و یک مکانیزم دموکراتیک، برای دستیابی به قدرت تلاش کردند و این نوع نگرش، سبب جنگ‌های ویرانگر در کابل و شهرهای دیگر گردید و زمینهٔ تزلزل و بی‌ثباتی و در نهایت تسلط و حاکمیت گروه طالبان فراهم گردید. بعد از سقوط طالبان و شکل‌گیری نظام سیاسی برآمده از توافق‌نامهٔ بن، فصل جدیدی در تاریخ کشور گشوده شد و دولت انتقالی بر اساس توافق‌نامهٔ بن و با مشارکت همهٔ گروه‌های سیاسی افغانستان شکل گرفت. این نظام سیاسی نوین، در ابتدای شکل‌گیری خود، برای بیرون‌رفت از منازعات، چالش‌ها و فراهم‌ساختن زمینهٔ مشارکت همهٔ گروه‌ها در قدرت، بر انتخابات تکیه داشت. اولین انتخابات برای لویه‌جرگهٔ اضطراری به منظور تعیین و تأیید حکومت انتقالی و موقت و طراحی ساختار بعدی نظام‌سازی افغانستان صورت گرفت. این انتخابات پایه و اساس سایر انتخابات به حساب می‌آید؛ از آن نظر که در اجلاس «لویه‌جرگهٔ اضطراری»، تمام مراحل بعدی مورد تأیید بزرگان اقوام و احزاب قرار گرفت.^۱ در این لویه‌جرگه، نمایندگان تمام اقوام افغانستان حضور داشتند و انتخاب حامد کرزی از میان چهار نامزد دیگر با ۱۲۹۵ رأی در فضای آزاد و دموکراتیک صورت گرفت؛ برخلاف لویه‌جرگه‌های قبلی، که کارشان تأیید بود نه انتخاب؟ بنابراین، دولت جدید و قانون اساسی مصوب آن، بر مبنای دموکراسی و حاکمیت مردم شکل گرفت و در راستای سازوکارهای اجرایی انتخابات و ترسیم چارچوب قانونی آن، قانون انتخابات را تهیه کرد و در مجلس عالی وزرا به تصویب رسانید.^۲ اکنون افغانستان دارای قانون مدون در بارهٔ انتخابات است که «قانون عمومی انتخابات» نامیده می‌شود. قانون

۱. سرور دانش، گامی بزرگ به سوی دموکراسی و تحکیم وحدت ملی و حکومت قانون در افغانستان، (گزارش و تحلیل لویه‌جرگهٔ اضطراری افغانستان در کابل، ۲۱-۲۹ خرداد ۱۳۸۱)، فصلنامه سراج، ش ۱۹، ص ۲۴.
۲. عصمت‌اللهی، لویه‌جرگه نماد اراده ملی افغان‌ها در افغانستان چالش‌های پیشرو، صص ۱۰۳-۹۱.
۳. اسدالله امیری، نظام انتخاباتی و ثبات سیاسی در افغانستان (پایان‌نامه)، ص ۱۶۱.

انتخابات افغانستان با تکیه بر اصل ۳۳ قانون اساسی جدید، تدوین شده که در ۱۱ فصل و ۶۲ ماده تنظیم و توسط ریاست دولت توشیح گردیده و در مطبوعات رسمی کشور به طبع رسیده است.^۱ نظام انتخاباتی افغانستان تک‌رأی غیر قابل انتقال (SNTV) با حوزه‌های چندکرسی و برندگان برآمده از اکثریت نسبی است؛ اما با توجه به حضور گروه‌های مختلف و اقلیت‌های قومی در افغانستان، نظام انتخاباتی اکثریتی نمی‌تواند تجلی مشارکت سیاسی همه اقوام و گروه‌ها در قدرت باشد. درست است که نظام انتخاباتی اکثریتی در انتخابات ریاست جمهوری بعضی از کشورهای جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اما در جوامع چندپاره و متفرقی مثل افغانستان، نمی‌تواند زمینه ثبات سیاسی و مشارکت همه گروه‌ها و اقوام را در قدرت فراهم سازد. «لیج فارت» یکی از مخالفان جدی حکومت اکثریتی و قوانین انتخاباتی کثرت‌گرا در جوامع ناهمگون است و همواره بحث ظهور دیکتاتوری اکثریت را مطرح می‌نماید. «هوروویتز» در اثر خود به نام «گروه‌های قومی درگیر»، بر این باور است که با حاکمیت قانون اکثریت، احزاب قومی توسعه می‌یابند و اکثریت‌ها قدرت را در دست می‌گیرند و اقلیت‌ها برای ماندن از خود دفاع می‌کنند و در شرایطی که محرومیت اقلیت از حکومت با رأی‌گیری پشتیبانی می‌شود، چشم‌انداز وحشت‌باری را ایجاد می‌کند. خشونت داخلی، کودتاهای نظامی و ظهور نظام‌های تک‌حزبی همگی ناشی از مسأله انحصار قدرت و یا محرومیت از آن است؛^۲ از این رو، بعضی‌ها معتقد هستند که دموکراسی در افغانستان با الگوگرفتن از لبنان، می‌بایست یک الگوی مشارکتی (دموکراسی انجمنی) به خود می‌گرفت و قدرت میان گروه‌های سیاسی و قومی تقسیم شود. این الگو بهترین الگو برای عملی‌شدن دموکراسی در جامعه چندقومی افغانستان است؛ زیرا در صورتی که روند ملت‌سازی و تشکیل هویت ملی به سرعت و سلامت حل نشود، باعث نارضایتی‌های متعدد و مداومی از سوی اقوام و گروه‌های قومی خواهد شد.^۳

۱. متن قانون عمومی انتخابات به نقل از: فصلنامه سراج، ش ۲۱، صص ۱۴۹-۱۷۱.
 ۲. تیموتی دی سبک، تقسیم قدرت و میانجی‌گری بین‌المللی در منازعات قومی، مجتبی عطارزاده، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹، ص ۷۷.
 ۳. مجمع محققین و طلاب افغانستان، پارلمان در قانون اساسی آینده افغانستان، مجموعه مقالات سمینار افغانستان و قانون اساسی آینده، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۹.

برآیند انتخابات پسامنازه

انتخابات در کشورهایی که منازعات خشونت‌بار را از سر گذرانده‌اند، بعد از توافق طرف‌های درگیر و با وساطت جامعه بین‌المللی برگزار می‌شود، این انتخابات در مواردی منجر به پایان یافتن منازعات داخلی نمی‌گردد؛ به طوری که بانک جهانی در سال ۲۰۰۶ در گزارشی اعلام کرد که یک‌سوم کشورهای درگیر منازعات پس از گذشت پنج سال و یک‌سوم دیگر پس از ده سال، مجدداً شاهد از سرگیری منازعات می‌باشند؛ مثل اتیوپی و کامبوج که در اتیوپی مخالفان انتخابات را تحریم کردند و در کامبوج ارتش دوباره دخالت کرد؛ اما در بعضی کشورها، نظام حکومتی برآمده از توافق‌نامه و انتخابات دموکراتیک، شروع به از بین بردن بادهای جنگ نموده و تعاملات مثبت را در بین بازیگران سیاسی افزایش داده است.^۱ تجربه انتخابات در کشورهای درگیر جنگ‌های داخلی نشان داده است که پایان یافتن جنگ صرف با برگزاری انتخابات، دیدگاه خوش‌بینانه است و حمایت مالی و فنی جامعه بین‌المللی، بدون فراهم شدن زمینه‌های لازم برای یک انتخابات عادلانه، نمی‌تواند همه موانع سیاسی؛ نظیر عدم توافق طرف‌های درگیر بر روی مسائل اساسی را مرتفع سازد. به علاوه، حمایت بین‌المللی در بسیاری از موارد، وسعت واقعی مشکلات را پنهان می‌کند و نتیجه‌اش این می‌شود که حتی وقتی که شرایط سیاسی عدم برگزاری آن‌ها را اقتضا می‌کند، انتخابات انجام شود. در آنگولا و کامبوج احزاب عمده مایل به قبول نتایج انتخابات نبودند و اگر به میل و خواسته‌شان وا نهاده می‌شدند، از همکاری کافی برای برگزاری انتخابات خودداری می‌کردند؛ با این وجود، کمک‌های بین‌المللی برگزاری انتخابات را ممکن ساخت و حتی گستره اختلافات را پنهان ساخت^۲ و نتیجه زود هنگام بلافاصله در آنگولا آشکار شد که همانا از سرگیری جنگ‌های داخلی بود؛ اما در کامبوج کمی دیرتر اثرات اختلافات سیاسی بروز کرد و در لیبیا انتخابات با حمایت‌های بین‌المللی برگزار شد؛ اما مشکلات اساسی این کشور حل نشد. حال سؤالی که مطرح می‌شود، این است که انتخابات در کشورهای درگیر منازعه، چگونه به اهداف مورد نظر دست می‌یابد؟ و راه را برای برگشت مجدد جنگ و نزاع می‌بندد؟ برخی از کارشناسان با توجه

۱. دایره‌المعارف بین‌المللی انتخابات، ص ۱۱۴.

۲. همان، ص ۱۱۲.

به آثار و عواقب سیاسی و اجتماعی نظام انتخاباتی و نقش نظام انتخاباتی در مدیریت منازعات، موفقیت و ناکامی انتخابات را به نظام انتخاباتی کشورهای پس از جنگ مرتبط می‌سازند؛ و معتقداند که یک نظام انتخاباتی اگر با در نظر داشت شرایط و عوامل جنگ‌های داخلی گزینش شود و زمینه مشارکت سیاسی همه گروه‌ها و اقوام را در قدرت فراهم سازد، ثبات سیاسی را در پی دارد^۱ و بنیاد همزیستی مسالمت‌آمیز و شکل‌گیری یک اجتماع سیاسی پی‌ریزی شده تحکیم می‌گردد.^۲ اگر نظام انتخاباتی بر اساس یک مکانیزم دموکراتیک در جهت تقسیم قدرت طراحی نشود، شکاف‌های قومی، ایدئولوژیکی، حزبی، مذهبی و لسانی را بیش‌تر می‌سازد.

۱. دانشنامه نظام‌های انتخاباتی، ص ۳۵.

۲. اسدالله امیری، نظام انتخاباتی و ثبات سیاسی در افغانستان، ۱۳۸۷، ص ۲۲۱.

۱. «روند انتقال قدرت در آفریقای جنوبی»، رویدادها و تحلیل‌ها، مهرماه ۱۳۷۲، شماره ۷۲.
۲. امیری، اسدالله، نظام انتخاباتی و ثبات سیاسی در افغانستان (پایان نامه).
۳. اندرو رینولدز، بن رایلی، اندرو الیس و دیگران، دانشنامه نظام انتخاباتی، ترجمه ابوذر رفیعی قهساره، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ اول، ۱۳۹۰.
۴. برتون، رولان، قوم شناسی سیاسی ترجمه ناصر فکوهی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.
۵. دانش، سرور، گامی بزرگ به سوی دموکراسی و تحکیم وحدت ملی و حکومت قانون در افغانستان (گزارش و تحلیل لویه جرگه اضطراری افغانستان در کابل، خرداد ۱۳۸۱)، فصلنامه سراج، ش ۱۹.
۶. دایموند، لاری، توسعه دموکراسی در کشورهای پسمنازعه و دولت‌های ضعیف، فصلنامه سراج، ترجمه محمدعلی حامدی، سال چهارم، شماره ۲۸، ۱۳۸۶.
۷. رابرت تد، گر، ارزیابی انتقادی در زمینه امنیت بین‌المللی، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.
۸. زیر نظر سیمور مارتین لپیست، دایره‌المعارف دموکراسی، ج ۱، ترجمه کامران فانی و نورالله مرادی، (حروف آ-ت) کتابخانه تخصصی وزارت خارجه ایران، ۱۳۸۳.
۹. ست جی، جونز و همکاران، برقراری نظم و قانون پس از منازعه، ترجمه عسگر قهرمانپور، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۹.
۱۰. سرویاستار ریچارد رز، دایره‌المعارف بین‌المللی انتخابات، ترجمه محمدتقی دلفروز، نشر میزان، ۱۳۹۰.
۱۱. سیسک، تیموتی دی، تقسیم قدرت و میانجی‌گری بین‌المللی در منازعات قومی، ترجمه مجتبی عطارزاده، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹.
۱۲. عصمت‌اللهی، لویه‌جرگه نماد اراده ملی افغان‌ها در افغانستان چالش‌های پیشرو.
۱۳. کلود آلبر کلیبیار، نهادهای روابط بین‌الملل، ترجمه هدایت‌الله فلسفی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۸.
۱۴. مجله رشد آموزش جغرافیا، بهار ۱۳۶۶، شماره ۹.
۱۵. مجله نامه اتاق بازرگانی، شهریور ۱۳۸۱، شماره ۴۱۳.
۱۶. مجمع محققین و طلاب افغانستان، پارلمان در قانون اساسی آینده افغانستان، مجموعه مقالات سمینار افغانستان و قانون اساسی آینده، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۷. مقتدر، هوشنگ، تبعیضات نژادی در آفریقای جنوبی، مجله خرد و کوشش، تیر ۱۳۴۸، شماره ۲.
۱۸. نیکارگوته، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت خارجه ایران، تهران، ۱۳۹۲.
۱۹. هانتینگتون، ساموئل، موج سوم دموکراسی، ترجمه احمد شهباس، تهران، روزنه، ۱۳۸۱.